قَالَ السَّلَامُ مَنْ یَقُلْ عَلَیَّ مَا لَمْ اَقُلْ فَ... عَلَیْہِ

از تصنیف زبدۃ العارفین عمدۃ المحدثین محی الدین یحییٰ بن شرف ...

بفرمائش غلام دستگیر شال مرچنٹ و تاجر کتب بسعی عائد باللہ خلوم ...

لُبَابُ الْاَخْبَار مترجم

فی بیان

اَحَادِیْثِ سَیِّدِ الْمُخْتَار

معروف بہ

اَرْبَعِیْنِ اِمَامِ نَوَوِی

سنہ ۱۳۲۱

کہ معتبر و منتخب ست از صحیح بخاری و صحیح مسلم کہ اصح کتب بعد کتاب اللہ ست لباب الاخبار کہ درین دیار مروج و مشہور ست اکثر احادیثش بے اصل و بلا سند و جرح احادیثش از مقدمہ این کتاب ظاہر خواہد شد

در مطبع اسلامیہ سٹیم پریس واقع لاہور مطبوع گردید ۱۹

بلا اجازت احد مالک المطبع منشی شیخ محمد عبد اللہ

۲

سه یعنی در صفحه ۶ کتاب لباب الاخبار سابقه این حدیث رست لکه در صفحه ۴ لباب الاخبار سابقه این حدیث است ۱۲

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوٰة والسلام علیٰ رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین ۔ اما بعد مخفی ومحتجب نماند که درین دیار کتابی مسمیٰ به لباب الاخبار رائج ومشهورست اما احادیث آن اکثر موضوع وبعض ازان بکتابی مستند نه لهذا فقیر حقیر عائذ بالله فقیہ الله غفر الله له ولوالدیه ولاساتذه خواست که کتابی صحیح که ماخذ آن صحاح سته باشد خصوصاً صحیح بخاری وصحیح مسلم که اصح الکتب بعد کلام الله اند مشهور ومروج سازد لهذا این کتاب را که تصنیف امام المحدثین سید المفسرین حضرت امام نووی رحمة الله علیه رحیز طبع مع ترجمه نموده تا اهل الله ازین مستفیض شوند وعاصی را بدعای خیر یاد فرمایند وبالله التوفیق واین رساله را هم موسوم به

لباب الاخبار فی احادیث سید المختار مشهور به اربعین امام نووی

ساخت نخست بر چند احادیث لباب الاخبار سابقه جرح کرده میشود تا طالبان فن را طمانینت قلب حاصل شود صفحه ۲ من زاد علما آفکا نما الخ در سنا داین حدیث امام شوکانی در کتاب الفوائد المجموعة فی الاحادیث الموضوعة صفحه ۱۳ نوشته که راوی این حدیث کالایمان

معرفة بالقلب الخ این حدیث موضوع است یا ضعیف ایدالمجموعه فی احادیث الموضوعه امام شوکانی

درصفحه ۲۲ و درصفحه ۱۹ ـ الوضوء الخ در تخریج احیا امام عراقی نوشته که اطلاع این

حدیث نشده شوکانی صفحه ۹ و درصفحه ۲۲ من قال عند استماع الاذان الخ در الفوائد

المجموعه فی الاحادیث الموضوعه امام شوکانی موضوع نوشته درصفحه ۱۵ و درصفحه ۲

لاصلوة لجار المسجد الخ این حدیث عند البعض موضوع و عند البعض ضعیف بهرحال

صحیح نیست شوکانی صفحه ۱۵ اینکه نوشته شد شتے از خروار است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

لِجَامِعِهٖ وَلِقَارِئِهٖ وَلِحَافِظِهٖ وَلِمَنْ لَهٗ حَقٌّ عَلَيْنَا وَاٰخِرُ دَعْوٰنَا

اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۞

اَلْحَدِيْثُ الْاَوَّلُ عَنْ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عُمَرَ بْنِ

حدیث اول مروی ست از امیر المؤمنین عمر بن

الْخَطَّابِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

خطاب رضی الله عنه که گفت شنیدم رسول الله صلے

اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ

الله تعالی علیه و آله وسلم را که میفرمود جز این نیست که همه اعمال موقوف بر نیت ست

وَاِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوٰى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهٗ اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ

و جز این نیست که برای هر شخصے آنچه نیت کرده کسیکه باشد هجرت او بسوی خدا و رسول او

فهجرته الى الله ورسوله ومن كانت هجرته الى دنيا

پس هجرت او بسوئے خدا و رسول او ست و کسیکہ باشد ہجرت او بسوئے دنیا کہ

يصيبها او امرأة ينكحها فهجرته الى ما هاجر اليه رواه

برسد آن را یا زنے کہ نکاح کند او را پس ہجرت او بسوئے آنچیز ست کہ ہجرت کردہ بطرف وی روایت کرد این

امام المحدثين ابو عبد الله محمد بن اسمعيل

حدیث را امام محدثین ابو عبد الله محمد پسر اسمعیل

البخاري وابو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم

بخاری و ابو الحسین مسلم پسر حجاج پسر مسلم

القشيري النيسابوري رضى الله تعالى عنهما في

قشیری نیشابوری رضی الله تعالی عنهما در دو

صحيحيهما اللذين هما اصح الكتب المصنفة الحديث

کتاب صحیح خود کہ این ہر دو کتاب صحیح ترین کتابہائے تصنیف شدہ اندر حدیث حدیث

الثاني عن عمر رضى الله تعالى عنه ايضا قال بينما

دوم روایت شدہ از عمر رضی الله تعالی عنه کہ گفت در حالیکہ

نحن عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

نشستہ بودیم ما یان نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم یک روز

۴

يَوْمٍ اِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيْدُ بَيَاضِ الثَّوْبِ
كه ناگهان ولادو شد بر ما شخصے كه بسيار سفيد بود جامه وے

شَدِيْدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يُرٰى عَلَيْهِ اَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهٗ
وخوب سياه بود موئهاے وے ديده نمى شد بر وے علامت سفر ونمى شناخت ويرا

مِنَّا اَحَدٌ حَتّٰى جَلَسَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ
از ما يان كسے تا آنكه نشست آن شخص نزد پيغمبر صلے الله تعالے عليه و آله

وَسَلَّمَ فَاَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ اِلٰى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلٰى فَخِذَيْهِ
وسلم پس پيوست كرد دو زانوى خود را بدو زانوى آنحضرت ونهاد هر دو كف دست را بر دو رانهاى ايشان

وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِسْلَامِ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
وگفت اى محمد خبر كن مرا از اسلام پس فرمود رسول الله

صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَلْاِسْلَامُ اَنْ تَشْهَدَ
صلے الله تعالى عليه و آله وسلم اسلام اين است كه گواهى دهى باينكه

اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَ
نيست هيچ معبود بجز خدا واينكه محمد فرستاده خداست

تُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَ
بر پا دارى نماز را وبدهى زكوة را وروزه دارى رمضان را و

الحج البيت ان استطعت اليه سبيلا قال صدقت

حج نمائی کعبه کنی اگر بتوانی بسوی او راه رفتن را گفت آن شخص در جواب آنحضرت که راست فرمودی

فعجبنا له يسأله ويصدقه قال فاخبرني عن الايمان

پس تعجب کردیم ما بآن شخص که سوال میکند از آنحضرت و تصدیق هم میکند آنحضرت را باز گفت آن شخص خبر کن مرا از ایمان

قال ان تؤمن بالله وملئكته وكتبه ورسله واليوم الآخر

فرمود ایمان است که ایمان آری بخدا و فرشتگان وی و کتابهای وی و پیغمبران وی و بروز قیامت

وتؤمن بالقدر خيره وشره قال صدقت قال فاخبرني

و ایمان آری بتقدیر به نیکی آن و بدی آن که همه باراده خدا تعالی است گفت آن شخص راست فرمودی باز

عن الاحسان قال ان تعبد الله كانك تراه فان لم

از احسان فرمود احسان این است که بندگی کنی خاص خدای را بحضور و خلوص که گویا تو می بینی و اگر نه

تكن تراه فانه يراك قال فاخبرني عن الساعة قال

بینی او را پس بدرستی که او تعالی ترا می بیند باز گفت پس خبر کن مرا از وقت برپا شدن قیامت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما المسئول عنها باعلم من السائل قال فاخبرني

نیست سوال کرده شده از او که منم داناتر از سائل که توئی باز گفت آن شخص پس خبر کن مرا

عن اماراتها قال ان تلد الامة ربتها وان ترى

از علامات قیامت فرمود آنحضرت از علامات قیامت این است که بزاید کنیز مالکه خود را و اینکه ببینی تو که

الحفاة العراة العالة رعاء الشاء يتطاولون في البنيان

پا برهنگان محتاجان چرانندگان گوسفند را که فخر و تکبر کنند در ساختن عمارتها

ثم انطلق فلبثت مليا ثم قال يا عمر اتدري من السائل

پس ازان رفت آن شخص پس درنگ کردم ساعتی دراز پس ازان فرمود آنحضرت ای عمر آیا میدانی کدام شخص

قلت الله ورسوله اعلم قال فانه جبريل اتاكم يعلمكم

خدا تعالی و رسول او دانا ترند بدین فرمود بدرستی این شخص جبرئیل بود آمده بود بشما تا بیاموزد بشما باین طریقه

دينكم رواه مسلم الحديث الثالث عن ابي عبد

دین شما را روایت کرد این را مسلم حدیث سوم روایت است از پدر عبد الرحمن

الرحمن بن عمر بن الخطاب رضي الله عنهما قال سمعت

پسر عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنهما که گفت شنیدم

رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم يقول بني

رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را که میفرمود بنا کرده شده است

الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله وان

اسلام بر پنج چیز یکی ازان گواهی دادن براینکه نیست هیچ معبود غیر از خدا تعالی و بدرستی

محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة وايتاء

محمد بنده وی و فرستاده وی است دوم ازان برپا کردن نماز سه است سوم دادن

الزكوة وحج البيت وصوم رمضان رواه البخاري ومسلم

زکوة ست چهارم حج کردن خانه کعبه است پنجم روزه داشتن ماه رمضان ست روایت کرد این حدیث را بخاری و

الحديث الرابع عن ابي عبد الرحمن عبد الله بن

حدیث چهارم روایت است از ابی عبد الرحمن عبد الله پسر

مسعود رضي الله تعالى عنه قال حدثنا رسول الله صلى

مسعود رضی الله تعالی عنه که گفت خبر داد بما یان رسول الله صلی

الله تعالى عليه وآله وسلم وهو الصادق المصدوق ان

الله تعالی علیه وآله وسلم و حال آنکه وی صادق است گو در است گفته شده است او را که بدرستی

احدكم يجمع خلقه في بطن امه اربعين يوما نطفة

یکی از شما جمع میشود پیدایش وی در شکم مادر وی چهل روز قطره منی می باشد

ثم يكون علقة مثل ذلك ثم يكون مضغة ثم

پس از ان می شود خون بسته مانند آن یعنی چهل روز پس از ان میشود پاره گوشت مانند آن یعنی چهل روز پس

يرسل الملك فينفخ فيه الروح ويؤمر باربع كلمات

از ان فرستاده میشود فرشته یعنی از جانب خدا تعالی پس میدمد آن فرشته در وی روح را و امر کرده می شود آن فرشته

يكتب رزقه واجله وعمله وشقي

می نویسد روزی او را و اجل او یعنی عمر او را و عمل او را یعنی از نیک و بد و این را که بد بخت ست

۴ [illegible]

ابو سعید فوالذی لا اله غیره ان احدکم لیعمل بعمل

اهل الجنة حتی ما یکون بینه وبینها الا ذراع فیسبق

علیه الکتاب فیعمل بعمل اهل النار فیدخلها وان احدکم

لیعمل بعمل اهل النار حتی ما یکون بینه وبینها الا

ذراع فیسبق علیه الکتاب فیعمل بعمل اهل الجنة

فیدخلها رواه البخاری ومسلم الحدیث الخامس

عن ام المؤمنین ام عبد الله عائشة رضی الله تعالی

عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو رد رواه

البخاری ومسلم وفی روایة لمسلم من عمل

۹ [illegible] ندای استغاثه کردن [illegible] شرک بودن این امور از قرآن و حدیث صریح ثابت است [illegible] ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی الله تعالی عنها [illegible] در قرآن و حدیث [illegible]

عملا لیس علیه امرنا فهو رد ٭ الحدیث السادس

عملی که نیست بروی آئین ما پس آن عمل مردودست ٭ حدیث ششم

عن ابی عبد الله النعمان بن بشیر رضی الله تعالی عنهما

روایت ست از ابی عبد الله نعمان پسر بشیر رضی الله تعالی عنهما

قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

که گفت شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را

یقول ان الحلال بین وان الحرام بین وبینهما

میفرمود بدرستی چیزهای حلال ظاهر و روشنند و بدرستی چیزهای حرام نیز ظاهر و روشنند و میان حلال و حرام

مشتبهات لا یعلمهن کثیر من الناس فمن اتقی الشبهات

نیشناسند آنچیزها را بسیار از مردم یعنی بجهة عدم علم و عدم تمیز پس کسیکه پرهیز کند شبهات را یعنی آنچیزهای شبهناک را

استبرأ لدینه وعرضه ومن وقع فی الشبهات

پاک کرد دین خود را از ملامت شرعی و آبروی خود را و کسیکه بیفتد در چیزهای شبهناک

وقع فی الحرام کالراعی یرعی حول الحمی یوشک

بیفتد در حرام مانند چرانندهٔ که بچراند مواشی خود را گرد چراگاه خاص پادشاه نزدیک ست

ان یقع فیه الا وان لکل ملک حمی الا وان حمی

که بیفتد وی در چراگاه خاص پادشاه آگاه باشید و بدرستی برای هر پادشاه چراگاه خاص میباشد آگاه باشید که

الله تعالی محارمه الا ان فی الجسد مضغة اذا

خدایتعالی چیزهای حرام کردهٔ اوست آگاه باشید که بدرستی در بدن آدمی پارهٔ گوشت ست وقتیکه

صلحت صلح الجسد کله واذا فسدت فسد الجسد

نیک شود نیک شود بدن تمام آن و وقتیکه تباه شود آن پاره گوشت تباه شود بدن

كُلُّهُ اَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ

تمام آن آگاه باشید که آن پارهٔ گوشت دل است روایت کرد این را بخاری و مسلم

اَلْحَدِيْثُ السَّابِعُ عَنْ اَبِيْ رُقَيَّةَ تَمِيْمِ بْنِ اَوْسٍ

حدیث هفتم روایت است از ابی رقیه تمیم پسر اوس

الدَّارِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

داری رضی الله تعالی عنه که بدرستی پیغمبر صلی الله تعالی علیه

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ قَالَ الدِّيْنُ النَّصِيْحَةُ قُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِلّٰهِ

و آله و سلم فرمود دین خیرخواهی ست گفتیم مایان خیرخواهی برای کیست فرمود

تَعَالٰى وَلِكِتَابِهٖ وَرَسُوْلِهٖ وَلِاَئِمَّةِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ

برای خدا تعالی و برای کتاب وی و برای رسول وی و برای ائمه مسلمانان و

عَامَّتِهِمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ اَلْحَدِيْثُ الثَّامِنُ

عوام ایشان روایت کرد این را بخاری و مسلم حدیث هشتم

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابن عمر رضی الله تعالی عنهما که بدرستی رسول خدا صلی

اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ قَالَ اُمِرْتُ اَنْ اُقَاتِلَ

الله تعالی علیه و آله و سلم فرمود امر کرده شده ام باینکه قتال کنم

النَّاسَ حَتّٰى يَشْهَدُوْا اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا

با مردم تا آنکه گواهی دهند ایشان براینکه نیست هیچ معبود غیر از خدا تعالی و بدرستی محمد صلی الله علیه

رَسُوْلُ اللّٰهِ وَيُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ فَاِذَا

و سلم فرستادهٔ وی است و قائم کنند نماز را و بدهند زکوة را پس چون

ورسانيدن احكام فرستاده اند هر چه هست من خود بيان خواهم كرد حاجت بسوال شما نيست ١١ ش

فعلوا ذلك عصموا منّى دماءهم واموالهم

كردند ايشان اين كار را نگهداشتند از من خونهائے خود و مالهائے خود را

الا بحق الاسلام وحسابهم على الله رواه البخاري

مگر بحق اسلام و حساب ايشان بر خداست روايت كرد اين را بخاري

ومسلم الحديث التاسع عن ابي هريرة عبد الرحمن

و مسلم حديث نهم روايت ست از ابي هريره عبد الرحمن

ابن صخر رضى الله تعالى عنه قال سمعت رسول

پسر صخر رضى الله تعالى عنه كه گفت شنيدم رسول

الله صلى الله تعالى عليه واله وسلم يقول ما

الله صلى الله تعالى عليه و آله وسلم را ميفرمايد آنچه

نهيتكم عنه فاجتنبوه وما امرتكم به فافعلوا

منع كردم شما را ازان پس احتراز كنيد ازان و آنچه امر كردم شما را بآن پس بكنيد

منه ما استطعتم فانما اهلك الذين من قبلكم

ازان آنچه بتوانيد پس جز اين نيست كه هلاك كرد كسانى را كه پيش از شما بودند

كثرة مسائلهم واختلافهم على انبيائهم رواه

بسيارى سوالهاى ايشان يعنى در دين بحاجت و ضرورت و اختلاف ايشان بر پيغمبران خود چنانچه عادت بود

البخاري ومسلم الحديث العاشر عن ابي هريرة

بخاري و مسلم حديث دهم روايت است از ابي هريرة

رضى الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى

رضى الله تعالى عنه كه گفت فرمود رسول الله صلى

١٢

اللهُ تعالیٰ علیه وَآلِه وَسَلَّمَ اِنَّ اللهَ تعالیٰ طَیِّبٌ

الله تعالی علیه و آله وسلم که بدرستی خدای تعالی پاک است

لَا یَقْبَلُ اِلَّا طَیِّبًا وَاِنَّ اللهَ اَمَرَ الْمُؤْمِنِینَ بِمَا اَمَرَ بِه

قبول نمیکند مگر پاک را یعنی عمل نیک که از شرک و ریا پاک باشد و صدق و از مال حلال بود و بدرستی خدای تعالی

الْمُرْسَلِینَ فَقَالَ اللهُ تعالیٰ یَا اَیُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ

پیغمبران را پس فرمود خدای تعالی یعنی پیغمبر را که ای پیغمبران خورید از

الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا وَقَالَ اللهُ تعالیٰ یَا اَیُّهَا

چیزهای پاک و کنید کار نیکو و فرمود خدای تعالی یعنی مومنان را ای کسانیکه

الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ ثُمَّ ذَکَرَ

ایمان آورده اید خورید از حلال آنچه روزی داده ایم شما را پس ازان ذکر کرد

الرَّجُلَ یُطِیلُ السَّفَرَ اَشْعَثَ اَغْبَرَ یَمُدُّ یَدَیْهِ اِلَی

آنحضرت آن شخص که دراز کند سفر را باشد ژولیده موی غبار آلوده و دراز میکند هر دو دست خود بطرف

السَّمَاءِ یَا رَبِّ یَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ

آسمان و میگوید ای پروردگار من ای پروردگار من حال آنکه باشد خوردنش حرام و آشامیدنش حرام

وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِیَ بِالْحَرَامِ فَاَنّٰی یُسْتَجَابُ

و حال آنکه باشد پوشیدنش حرام و پرورده شده بحرام پس چگونه قبول خواهد شد دعای برای

لِذٰلِکَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ اَلْحَدِیثُ الْحَادِی عَشَرَ

این شخص روایت کرد این را مسلم حدیث یازدهم

عَنْ اَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ سِبْطِ

روایت ست از ابی محمد امام حسن پسر جناب علی بن ابی طالب نواسه

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
رسول خدا صلے الله تعالے علیہ وآلہ وسلم

وَرَيْحَانَتُهٗ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمَا قَالَ حَفِظْتُ مِنْ
و فرزند راحت جان وے رضی الله تعالے عنہما کہ گفت یاد کردم از

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ دَعْ
رسول الله صلے الله تعالی علیہ وآلہ وسلم این راکہ بگذار وترک کن

مَا يُرِيْبُكَ اِلٰى مَا لَا يُرِيْبُكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ
آن چیزرا کہ در شک اندازد ترا وقصد کن بآن چیز کہ در شک نیندازد ترا روایت کرد این را ترمذی و

النَّسَائِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ
نسائی وگفت ترمذی کہ این حدیث حسن ست صحیح ست

اَلْحَدِيْثُ الثَّانِيْ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ
حدیث دوازدہم روایت است از ابی ہریرہ رضی الله

تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ
تعالے عنہ کہ گفت فرمود رسول الله صلے الله تعالے علیہ

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ مِنْ حُسْنِ اِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهٗ مَا
و آلہ وسلم از خوبی اسلام شخص ترک کردن ولیست آن چیز را کہ

لَا يَعْنِيْهِ حَدِيْثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهٗ
فائدہ نرساند ویرا این حدیث حسن ست روایت کردہ این را ترمذی وغیرہ وے

اَلْحَدِيْثُ الثَّالِثَ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ حَمْزَةَ اَنَسِ بْنِ
حدیث سیزدہم روایت است از ابی حمزہ انس پسر

فا یعنی مسلمان را باید که آنچه خیر ومنفعت دینی ودنیوی برای خود خواهد برای دیگر مسلمانان هم خواهد وآنچه بد برای خود ...

مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ خَادِمِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى

مالک رضی الله تعالے عنه خادم رسول الله صلے

اللهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ تَعَالٰى

الله تعالے علیه وآل وسلم کروی روایت کرده از پیغمبر صلے الله تعالے

عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ قَالَ لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ حَتّٰى

علیه وآله وسلم که بدرستی آنحضرت فرمود ایمان نیاورد یکے از شما تا آنکه

يُحِبَّ لِاَخِيْهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ

دوست دارد برائے برادر خود آنچه دوست دارد برائے نفس خود روایت کرد این را بخاری ومسلم

اَلْحَدِيْثُ الرَّابِعَ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللهُ

حدیث چهاردهم روایت ست از عبد الله بن مسعود رضی الله

تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ

تعالے عنه که گفت رسول خدا صلے الله تعالے علیه

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ اِلَّا بِاِحْدٰى

وآله وسلم حلال نے شود خون مرد مسلمان مگر بیکے

ثَلٰثٍ اَلثَّيِّبُ الزَّانِيْ وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالتَّارِكُ

ازین سه کار یک آنکه باشد منکوحه دار زناکننده دوم کشتن بقصاص وسوم ترک کننده

لِدِيْنِهٖ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَ

دین خود را جدا شونده از جماعت مسلمانان روایت کرد این را بخاری و

مُسْلِمٌ اَلْحَدِيْثُ الْخَامِسَ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

مسلم حدیث پانزدهم روایت ست از ابی هریره رض

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى

رضی الله تعالیٰ عنه که وے روایت کرد از رسول الله صلی الله تعالیٰ

عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ

علیه وآله وسلم که فرمود کسیکه ایمان میدارد بخدای تعالیٰ و بروز قیامت

الْاٰخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا اَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

پس باید که بگوید سخن نیک یا خاموش شود و کسیکه ایمان میدارد بخدای تعالیٰ

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهٗ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

و بروز قیامت پس باید که بزرگ دارد همسایه خود را و کسیکه ایمان می دارد بخدای تعالیٰ

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَ

و بروز قیامت پس باید که گرامی دارد مهمان خود را روایت کرد این را بخاری و

مُسْلِمٌ اَلْحَدِيْثُ السَّادِسَ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

مسلم حدیث شانزدهم ۱۶ روایت است از ابی هریره

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ اَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

رضی الله تعالیٰ عنه که بدرستی شخصے گفت مر پیغمبر را صلی الله

تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَوْصِنِيْ قَالَ لَا تَغْضَبْ

تعالیٰ علیه وآله وسلم که نصیحت کن مرا فرمود آنحضرت بوی که غصه مکن

فَرَدَّدَ مِرَارًا قَالَ لَا تَغْضَبْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ اَلْحَدِيْثُ

پس تکرار کرد آن شخص چند بار آنرا فرمود آنحضرت در جواب غصه مکن روایت کرد این را بخاری

السَّابِعَ عَشَرَ عَنْ اَبِيْ يَعْلٰى شَدَّادِ بْنِ

حدیث هفدهم روایت است از ابی یعلی شداد پسر

١٦

ابن اوس رضی الله تعالیٰ عنه عن رسول الله صلی

پسر اوس رضی الله تعالیٰ عنه که وی روایت کرده است از رسول الله صلی

الله تعالیٰ علیه و آله وسلم قال ان الله تعالیٰ کتب

الله تعالیٰ علیه و آله وسلم که فرمود بدرستی خدا تعالیٰ نوشته

الاحسان علی کل شیء فاذا قتلتم فاحسنوا

و مقرر کرده احسان و نیکی کردن بر هر چیزے پس وقتیکه قتل کنید کسی را شرعاً پس نیک کنید

القتلة واذا ذبحتم فاحسنوا الذبحة وليحد

قتل آنرا سله و چون ذبح کنید حیوان را پس نیک کنید ذبح آنرا و باید که تیز کند

احدکم شفرته ولیرح ذبیحته رواه مسلم الحدیث

یکے از شما کارد خود را آلہ ذبح و باید که راحت دهد یعنی بہلو بخواباند ذبیحه خود را وقت ذبح و بعد آن تا که جان

الثامن عشر عن ابی ذر جندب بن جنادة و

هژدهم روایت ست از ابی ذر جندب پسر جناده و از

ابی عبد الرحمن معاذ بن جبل رضی الله تعالیٰ

ابی عبد الرحمن معاذ بن جبل رضی الله تعالیٰ

عنهما ان رسول الله صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلم

عنهما که بدرستی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

قال اتق الله حیث ما کنت واتبع السیئة

فرمود بترس از خدا تعالیٰ در هر جا که باشی یعنی در خلوت و جلوت و در حضر و سفر و در حالت غضب

الحسنة تمحها وخالق الناس بخلق حسن رواه

نیکی را تا که دور کند آن نیکی بدی را و معامله کن با مردم بخوے نیک روایت کرد این را

17

الترمذي وقال حديث حسن وفي بعض النسخ حسن

ترمذی وگفت که این حدیث حسن است ودر بعض نسخهای ترمذی چنین گفته که این حدیث حسن است

صحيح الحديث التاسع عشر عن ابي العباس عبد

صحیح است حدیث نوزدهم روایت است از ابی عباس عبد الله

الله بن عباس رضي الله تعالى عنهما قال كنت خلف

پسر عباس رضی الله تعالی عنهما که گفت بودم من در پس

النبي صلى الله تعالى عليه وآله وسلم فقال يا غلام

پیغمبر صلی الله تعالی علیه وآله وسلم پس فرمود مرا که ای کودک

أعلمك كلمات احفظ الله يحفظك احفظ الله

آیا بیاموزم ترا بعضی کلمات بسیار مفید واین این ست که نگهدار رضامندی خدا را که نگهدارد ترا از هر [illegible]

تجده تجاهك اذا سألت فاسأل الله واذا

تا که بیابی ویرا حاضر پیش روی خود در هر حال بحفظ وحمایت واعانت ودر کشف حاجات چون سوال کنی چیزی را

استعنت فاستعن بالله واعلم ان الامة لو

مدد خواهی در چیزی از کسی پس مدد خواه از خدا تعالی وبدان بیقین که هر آینه تمام گروه از جن وانس اگر

اجتمعت على ان ينفعوك بشيء لم ينفعوك الا بشيء

جمع شوند بر آنکه نفع رسانند ترا بچیزی نفع نرسانند ترا هرگز مگر بچیزی که

قد كتبه الله لك وان اجتمعوا على ان يضروك

البته نوشته است آنرا خدا تعالی در تقدیر برت تو واگر جمع شوند همان ایشان بر اینکه ضرر رسانند ترا

لم يضروك الا بشيء قد كتبه الله عليك رفعت

ضرر نرسانند ترا هرگز مگر بچیزی که البته نوشته است آنرا خدا تعالی در تقدیر بر تو برداشته شدند

یعنی چیزے کہ مر نوشت اول بود نوشتہ شد محو اثبات دران نے شود ۱۲

الاقلامُ وجفّتِ الصّحفُ رواه التّرمذيّ وقال

قلمہا تقدیر از نوشتن و خشک شد نامہای تقدیر یعنی محفوظ اند از تغیر روایت کرد این را ترمذی و گفت

حديثٌ حسنٌ صحيحٌ وفي روايةِ غيرِ التّرمذيّ احفظ

کہ این حدیث حسن ست صحیح ست و بروایت غیراز ترمذی چنین آمدہ کہ نگہدار و در ہر کار

اللهَ تجِدْهُ امامك تعرّفْ الى اللهِ في الرّخاءِ يعرفك

جانب خدا را تا کہ بیابی وی را حاضر پیش روی خود آشنای بکن با خدا تعالی در فراخی و راحت تا آشنائی کند وی

في الشّدّةِ واعلم انّ ما اخطاك لم يكن ليصيبك و

در سختی و مشقت و بدان بیقین کہ البتہ آنچہ خطا کردہ است ترا و نرسیدہ بتو بر اینکہ میرسد بتو و

ما اصابك لم يكن ليخطئك واعلم انّ النّصر مع

آنچہ رسیدہ است ترا نبود اینکہ خطا می کرد ترا و بدان بیقین کہ البتہ فتح نصر

الصّبر وانّ الفرج مع الكرب وانّ مع العسر يسرا

صبرست و بدرستی خوشی و خورمی باغم و الم ست و بدرستی با سختی آسانی ست

الحديثُ العشرون عن ابي مسعودٍ عقبة بن

حدیث و بیستم روایت ست از ابی مسعود و عقبہ پسر

عمرٍو الانصاريّ البدريّ رضي اللهُ تعالى عنهُ

عمرو انصاری بدری یعنی در جنگ بدر حاضر بود رضی اللہ تعالے عنہ

قال قال رسولُ اللهِ صلّى اللهُ تعالى عليهِ وآلهٖ وسلّم

کہ گفت فرمود رسول اللہ صلے اللہ تعالے علیہ و آلہ و سلم

انّ ممّا ادرك النّاسُ من كلامِ النّبوّةِ الاولى اذا لم

کہ بدرستی از آنچہ یافتند مردم از کلام پیغمبری اول این کلام ست

تَسْتَحِیْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ اَلْحَدِیْثُ

حیا نداری پس بکن آنچه خواهی روایت کرد این را بخاری حدیث

اَلْحَادِیْ وَالْعِشْرُوْنَ عَنْ اَبِیْ عَمْرٍو وَقِیْلَ اَبِیْ

بیست و یکم روایت ست از ابی عمرو گفته شده ابی

عَمْرَةَ سُفْیَانَ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الثَّقَفِیِّ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ

عمره سفیان پسر عبد الله ثقفی رضی الله تعالی عنه

قَالَ قُلْتُ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قُلْ لِیْ فِی الْاِسْلَامِ قَوْلًا لَا اَسْئَلُ

که گفت وے گفتم اے رسول خدا بفرما مرا در اسلام یک سخنے کافی که سوال نکنم

عَنْهُ اَحَدًا غَیْرَكَ قَالَ قُلْ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ ثُمَّ

از ان هیچ یکے را غیر از تو فرمود بگو ایمان آوردم بخدا تعالی پس از ان

اسْتَقِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ اَلْحَدِیْثُ الثَّانِیْ وَالْعِشْرُوْنَ

استقامت کن بران روایت کرد این را مسلم حدیث بیست و دوم

عَنْ اَبِیْ عَبْدِ اللّٰهِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الْاَنْصَارِیِّ رَضِیَ

روایت ست از ابی عبد الله جابر پسر عبد الله انصاری رضی

اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُمَا اَنَّ رَجُلًا سَاَلَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ

الله تعالی عنهما که بدرستی شخصے سوال کرد رسول الله صلی الله

تَعَالٰی عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فَقَالَ اَرَاَیْتَ اِذَا صَلَّیْتُ الْمَكْتُوْبَاتِ

تعالی علیه وآله وسلم پس گفت بآن حضرت خبر کن مرا بآنکه چون گذاردم نمازهای فرض را

وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَاَحْلَلْتُ الْحَلَالَ وَحَرَّمْتُ الْحَرَامَ

و روزه داشتم ماه رمضان را و حلال کردم چیزهای حلال را و حرام کردم چیزها ے حرام را

وَلَمْ اَزِدْ عَلٰى ذٰلِكَ اَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَالَ نَعَمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

وزیاده نکردم برآن چیزی یعنی از نوافل و مستحبات آیا داخل خواهم شد بجنت بی عذاب فرمود آنحضرت آری او را مسلم کرد

وَمَعْنٰى حَرَّمْتُ الْحَرَامَ اِجْتَنَبْتُهُ وَمَعْنٰى اَحْلَلْتُ

و معنی حرام کردم چیزهای حرام را اینکه اجتناب کردم از آن و معنی حلال کردم چیزهای حلال را

الْحَلَالَ فَعَلْتُهُ مُعْتَقِدًا حِلَّهُ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ اَلْحَدِيْثُ الثَّالِثُ

این ست که کردم و بعمل آوردم آنرا درحالیکه اعتقاد داشتم حلال بودن آنرا و خدا داناتر ست حدیث

وَالْعِشْرُوْنَ عَنْ اَبِيْ مَالِكٍ الْحَارِثِ بْنِ عَاصِمٍ

بست و سوم روایت ست از ابی مالک حارث پسر عاصم

الْاَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

اشعری رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول الله

صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَلطُّهُوْرُ شَطْرُ الْاِيْمَانِ

صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که طهارت نصف ایمان است

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَمْلَأُ الْمِيْزَانَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَمْلَاٰنِ

و کلمه الحمد لله گفتن پر می کند ترازوی عمل را و کلمه سبحان الله و الحمد لله گفتن پر میکنند این هر دو

اَوْ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالصَّلٰوةُ نُوْرٌ

یا پر میکند هر یکی آنمقدار را که درمیان آسمانها و زمین ست و نماز روشن کننده دل ست بنور معرفت

وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ وَالْقُرْاٰنُ حُجَّةٌ لَكَ

و صدقه دادن یعنی زکوة و غیر آن دلیل ست بر ایمان و محبت خدا و صبر طاعت و کف از معصیت روشنی ست

اَوْ عَلَيْكَ كُلُّ النَّاسِ يَغْدُوْ فَبَائِعٌ نَفْسَهٗ فَمُعْتِقُهَا

مر ترا اگر عمل نمودی بر آن یا حجه و الزام ست بر تو اگر عمل نکردی بموافق آن همه مردم بامداد میکنند پس فروشنده و هر

او موبقهما رواه مسلم الحديث الرابع والعشرون

یا هلاک کننده است آنرا روایت کرد این را مسلم — حدیث بیست و چهارم

عن ابی ذر رضی الله تعالی عنه عن النبی صلی الله تعالی

روایت است از ابی ذر رضی الله تعالی عنه که روایت کرد از پیغمبر خدا تعالی صلی الله تعالی

علیه وآله وسلم فیما یرویه عن الله تعالی عز وجل انه

علیه وآله وسلم در آنچه روایت میکرد آنحضرت آنرا از خدای تعالی که بزرگ وجلیل است اینکه بدرستی وی

قال یا عبادی انی حرمت الظلم علی نفسی و

تعالی فرمود ای بندگان من هر آینه من حرام کردم ظلم را بر ذات خود و

جعلته بینکم محرما فلا تظالموا یا عبادی کلکم

گردانیدم آنرا در میان شما حرام کرده شده پس ظلم مکنید شما در میان خود بر یکدیگر ای بندگان من همه شما

ضال الا من هديته فاستهدونی اهدکم یا عبادی کلکم

گمراه اید مگر کسی که راه نمودم من وی را پس هدایت خواهید از من تا راه نمایم شما را ای بندگان من همه شما

جائع الا من اطعمته فاستطعمونی اطعمکم یا عبادی

گرسنه اید یعنی محتاج اید بمن در حاجات شما را بر آرم مگر کسیکه طعام دادم من وی را پس طعام خواهید از من

کلکم عار الا من کسوته فاستکسونی اکسکم یا عبادی

همه شما برهنه اید مگر کسیکه جامه پوشانیده ام من وی را پس جامه خواهید از من تا جامه پوشانم شما را ای بندگان من

انکم تخطئون باللیل والنهار وانا اغفر الذنوب

بدرستی شما خطا کاری میکنید بشب و روز و من می آمرزم گناهان را

جمیعا فاستغفرونی اغفر لکم یا عبادی انکم لن تبلغوا

همه غیر از شرک پس آمرزش خواهید از من تا بیامرزم شما را ای بندگان من بدرستی هرگز شما نخواهید رسید

۲۲

ضرّی فتضرّونی ولن تبلغوا نفعی فتنفعونی یا عبادی

بضرر من تا که ضرر رسانید مرا و هرگز نخواهید رسید به نفع من تا که نفع برسانید مرا اے بندگان من

لو انّ اوّلکم و اٰخرکم و انسکم و جنّکم کانوا علی اتقی

اگر بدرستی اول شما و آخر شما و آدمی شما و جنے شما باشند بر پرهیزگار تر

قلب رجل واحد منکم ما زاد ذلک فی ملکی شیئًا

دل شخص یکے از شما زیاده نکند این امر در بادشاهی من چیزے را

یا عبادی لو انّ اوّلکم و اٰخرکم و انسکم و جنّکم کانوا

اے بندگان من اگر بدرستی اول شما و آخر شما و آدمی شما و جنی شما باشند

علی افجر قلب رجل واحد منکم ما نقص ذلک من

بر بدکارتر دل شخصے یکے از شما کم نکند این امر از

ملکی شیئًا یا عبادی لو انّ اوّلکم و اٰخرکم و انسکم و

بادشاهی من چیزے را ای بندگان من اگر بدرستی اول شما و آخر شما و آدمی شما و

جنّکم قاموا فی صعید واحد فسألونی فاعطیت کلّ انسان

جنے شما بایستند در یک قطعه زمین پس سوال کنند تمام ایشان از من مرادهای مختلفه خود را پس دهم هر کسی را از ایشان

مسألته ما نقص ذلک ممّا عندی الّا کما ینقص المخیط

مراد و مطلب او را کم نکند این بخشش عام آنچه نزد من ست از خزائن جود مگر مانند آنچه کم می کند سوزن

اذا ادخل البحر یا عبادی انّما هی اعمالکم احصیها لکم

وقتیکه در آورده شود آن سوزن در دریای محیط ای بندگان من جز این نیست که این همه کارهای نیک و بد عملهای شماست که می‌شمارم

ثمّ اوفّیکم ایّاها فمن وجد خیرًا فلیحمد الله و من

از آن عملها پس کسیکه یافت عمل نیک و جزای نیک را پس باید که ثنا گوید خدا تعالی را که توفیق عمل نیک بوی داد که موجب

٢٣

وَجَدَ غَيْرَ ذٰلِكَ فَلَا يَلُوْمَنَّ اِلَّا نَفْسَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

یافت غیر آن را یعنی عمل بد و جزای بد را پس ملامت نکند مگر نفس خود را ۱۲ روایت کرد این را مسلم

اَلْحَدِيْثُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُوْنَ عَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رَضِيَ

حدیث بیست و پنجم روایت است از ابی ذر رضی

اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ اَنَّ اُنَاسًا مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى

الله تعالی عنه اینکه بدرستی بعضی مردم از اصحاب رسول الله صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ قَالُوْا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ

الله علیه و آله و سلم که فقرا بودند گفتند مر پیغمبر صلی الله تعالی علیه

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ ذَهَبَ اَهْلُ الدُّثُوْرِ بِالْاُجُوْرِ

و آله و سلم را ای رسول خدا رفتند صاحبان مال دنیا با جرهای بسیار

يُصَلُّوْنَ كَمَا نُصَلِّيْ وَيَصُوْمُوْنَ كَمَا نَصُوْمُ وَيَتَصَدَّقُوْنَ

برآنکه نماز میگزارند ایشان چنانکه ما میگزاریم و روزه میدارند ایشان چنانکه ما روزه میداریم و صدقه میدهند ایشان

بِفُضُوْلِ اَمْوَالِهِمْ قَالَ اَوَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُوْنَ

بزیادهٔ مالهای خود یعنی ما بسبب فقر توفیق آن نداریم فرمود آنحضرت آیا نیست اینکه بدرستی گردانیده است خدا تعالی

بِهٖ اِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيْحَةٍ صَدَقَةً وَّكُلِّ تَكْبِيْرَةٍ صَدَقَةً وَّكُلِّ

بآن و آن این است که بدرستی بهر کلمه سبحان الله گفتن ثواب یک صدقه هست و بهر الله اکبر گفتن یک صدقه است و بهر

تَحْمِيْدَةٍ صَدَقَةً وَّكُلِّ تَهْلِيْلَةٍ صَدَقَةً وَّاَمْرٌ بِالْمَعْرُوْفِ

الحمد لله گفتن یک صدقه است و بهر لا اله الا الله گفتن یک صدقه است و امر کردن بکار نیک

صَدَقَةٌ وَّنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَّفِيْ بُضْعِ اَحَدِكُمْ

یک صدقه است و منع کردن از کار بد یک صدقه است و در جماع کردن یکی از شما

صَدَقَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ اَيَأتِي اَحَدُنَا شَهوَتَهُ وَ

یک صدقہ است گفتند صحابہ یا رسول اللہ آیا مے آید یکے از ما بمنکوحہ خود برائے دفع شہوت خود و

يَكُونُ لَهُ فِيهَا اَجرٌ قَالَ اَرَاَيتُم لَو وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ

میباشد ویرا درین کار اجر و ثواب فرمود آنحضرت خبر دہید مرا اگر نہادی آن شخص آلت خود را در حرام

اَكَانَ عَلَيهِ وِزرٌ فَكَذٰلِكَ اِذَا وَضَعَهَا فِي الحَلَالِ كَانَ

آیا باشد بروی گناہ گفتند آری فرمود پس ہم چنین وقتیکہ نہاد آلت خود را در فرج منکوحہ حلال باشد

لَهُ اَجرٌ رَوَاهُ مُسلِمٌ اَلحَدِيثُ السَّادِسُ وَالعِشرُونَ

ویرا اجر و ثواب روایت کرد این را مسلم حدیث بیست و ششم

عَن اَبِي هُرَيرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ

روایت ست از ابی ہریرہ رضی اللہ تعالی عنہ کہ گفت فرمود رسول

اللهِ صَلَّى اللهُ تَعَالٰى عَلَيهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ كُلُّ سُلَامٰى مِنَ

اللہ صلے اللہ تعالی علیہ و آلہ وسلم ہر بندی از بندہائے اعضای بدن

النَّاسِ عَلَيهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَومٍ تَطلُعُ فِيهِ الشَّمسُ تَعدِلُ

از مردم بروی ست یک صدقہ ہر روز یکہ مے برآید در آن روز آفتاب از جملہ آن صدقات این ست کہ عدل کنی

بَينَ الاِثنَينِ صَدَقَةٌ وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهٖ فَتَحمِلُهُ

در میان دو نفر این ہم صدقہ است و اینکہ مدد کنی با شخصے در چارپای وی پس سوار کنی ویرا

عَلَيهَا اَو تَرفَعُ لَهُ عَلَيهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ وَالكَلِمَةُ

بر آن دابہ یا برداری برائے آن شخص بر آن دابہ اسباب ویرا این ہم صدقہ است و سخن

الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَبِكُلِّ خُطوَةٍ تَمشِيهَا اِلَى الصَّلٰوةِ

خوش گفتن کسے را نیز صدقہ است و ہر قدمے کہ میروی بآن قدم سوے نماز

صدقةٌ وتميطُ الاذى عن الطريق صدقةٌ رواه

این هم صدقه ست واینکه دور کنی خس وخاشاک وخار از راه این هم صدقه است روایت کرد این را

البخاري ومسلمٌ الحديث السابع والعشرون

بخاری و مسلم حدیث بیست وهفتم

عن النوّاس بن سمعان رضي الله تعالى عنه عن النبي

روایت ست از نواس پسر سمعان رض رضی الله تعالی عنه که وی روایت کرد از پیغمبر

صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال البرُّ حسنُ الخُلُق

صلی الله تعالی علیه و آله وسلم که فرمود آنحضرت نیکی یعنی عمده اقسام نیکی نیکخوی ست

والاثمُ ما حاك في نفسك وكرهت ان يطّلع عليه الناس

وگناه این چیزست که بخلد و اضطراب آرد در نفس تو و مکروه داری اینکه مطلع شوند بروے مردم

رواه مسلمٌ وعن وابصة بن معبدٍ رضي الله تعالى عنه

روایت کرد این را مسلم و روایت ست از وابصه پسر معبد رضی الله تعالی عنه

قال اتيتُ رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

که وی گفت آمدم نزد رسول الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم برائے دریافت حقیقت نیکی

فقال جئت تسأل عن البر قلت نعم فقال استفت

پس فرمود مرا آمدی تا که سوال کنی از حقیقت نیکی گفتم آرے پس فرمود فتوی بخواه

قلبك البرُّ ما اطمأنّت اليه النفس واطمأنّ اليه

از دل خود نیکی آن چیزست که آرام گیرد بوے نفس و آرام گیرد بوے

القلب والاثم ما حاك في النفس وتردّد في الصدر

دل وگناه آن چیزست که بخلد در نفس و اضطراب و تردد آرد در سینه

وان افتاك الناس حديث حسن رويناه في مسندي

اگرچه فتوی دهند ترا مردم بکردن آن ایحدیث حسن ست روایت کرده شده بما ایحدیث در دو مسند

الامامين احمد بن حنبل والدارمي باسناد حسن

دو امام یک احمد پسر حنبل و دارمی باسناد حسن

الحديث الثامن والعشرون عن ابي نجيح

حدیث بیست و هشتم روایت ست از ابی نجیح

العرباض ابن سارية رضي الله تعالى عنه قال وعظنا

عرباض پسر ساریه رضی الله تعالی عنه که گفت پند فرمود مایان را

رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم موعظة

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پندے

بليغة وجلت منها القلوب وذرفت منها العيون

بر کمال رسیده و سخت ترساننده که ترسیدند از ان دلها و اشک بباریدند از ان چشمها

فقلنا يا رسول الله كانها موعظة مودع فاوصنا قال

پس گفتیم ای رسول خدا ﷺ گویا این پند کسیست که وداع کننده باشد ﷺ پس نصیحت فرما ما را فرمود

اوصيكم بتقوى الله عز وجل والسمع والطاعة وان

نصیحت می کنم شما را به پرهیزگاری و ترسیدن از خدای عز وجل و شنیدن و فرمانبرداری حکم امرا و اگرچه

تامر عليكم عبد حبشي فانه من يعش منكم

بالفرض امیر شود بر شما غلام حبشی پس بدرستی کسیکه جیزید از شما بعد از من

فسيرى اختلافا كثيرا فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء

پس مے بیند اختلاف بسیار را بر دوام پس در انوقت لازم ست بر شما بگرفتن سنت من و سنت خلیفها

٢٧

پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم ... تحقیقت بمحان سنت ... راشدین رضی الله تعالی عنهم ... هر که از شما بعد سنت خلفاء ... بعد الذکر اتباع وی دمان ... هر که بهوای نفس خود بدعتی ... عمل کند چه ایشان دارد ... ایشان رو و موافق سنت ... اربعه و اختیار ... کرده ... خلفاء راشدین

الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ

راه یافتگان من چنگ زنید بآن وسخت بگیرید در آن وقت سنت مرا بدندانهای محکم

وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثٍ بِدْعَةٌ وَ

و دور دارید خود را از کارهای نو برآمده زیرا که بدرستی هر کار نو برآمده بدعت ست و

كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ

هر بدعت گمراهی ست روایت کرد این را ابو داود و ترمذی و گفت ترمذی که

حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ الْحَدِيثُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرُونَ

این حدیث حسن صحیح است حدیث بیست ونهم

عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ

روایت ست از معاذ بن جبل رضی الله تعالی عنه که گفت وی گفتم من اے رسول

اللهِ أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ

خدا خبر کن مرا بکاری که داخل کند مرا در جنت و دور کند مرا از آتش دوزخ

قَالَ لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ أَمْرٍ عَظِيمٍ وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلَى مَنْ

فرمود آنحضرت بتحقیق پرسیدی از کاری بس بزرگ و بدرستیکه این کار هر آینه آسان ست بر کسیکه

يَسَّرَهُ اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ تَعْبُدُ اللهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا

آسان گرداند آنرا خدا تعالی بر آنکس و آن کار این ست که عبادت کنی خدا را و شریک نکنی باوی چیزی را

وَتُقِيمُ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِي الزَّكٰوةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ وَ

و قائم کنی نماز را و بدهی زکوة را و روزه داری ماه رمضان را و

تَحُجُّ الْبَيْتَ ثُمَّ قَالَ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ الصَّوْمُ

حج کنی خانه کعبه را پس ازان فرمود آنحضرت آیا راه نمایم ترا بر درهای نیکی یعنی که بکی ازانها می در آید و

٣٨

جُنَّةٌ وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ وَصَلوٰةُ

وا دیگر صدقه است که وی سرد و محو مے کند گناه را چنانکه سرد مے کند آب آتش را و دیگر نماز

الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ ثُمَّ تَلَا تَتَجَافىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

شخص است درمیان شب یعنی نماز تهجد پس تر خواند آنحضرت این آیه را برای استشهاد بر فضیلت نماز تهجد

حَتّٰى بَلَغَ يَعْمَلُونَ ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ

تا آنکه رسید آنحضرت با آخر این آیت که لفظ یعملون است پس تر فرمود آیا خبر نه کنم ترا با اصل و سر همه کارهای دین

وَعَمُودِهِ وَذُرْوَةِ سَنَامِهِ قُلْتُ بَلىٰ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ

وستون دین و بلندی کوهان دین گفتم آری اے رسول خدا فرمود

رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلوٰةُ وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ

سر همه کارهای دین اسلام است یعنی انقیاد و گردن نهادن و قبول کردن همه ارکان و احکام دین و ستون دین نماز

الْجِهَادُ ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِمِلَاكِ ذٰلِكَ كُلِّهِ قُلْتُ بَلىٰ

جهاد کردن است با کافران که بدان کار دین ارتفاع و بلندی میگیرد پس تر فرمود آنحضرت آیا خبر دهم ترا بچیزیکه قوام

يَا نَبِيَّ اللّٰهِ فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ كُفَّ عَلَيْكَ هٰذَا

ای پیغمبر خدا پس گرفت آنحضرت زبان مبارک خود را و فرمود باز دار و نگهدار بر خود این زبان خود را

فَقُلْتُ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ وَإِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ فَقَالَ

پس گفتم بطریق تعجب و استفهام که ای پیغمبر خدا آیا ما بان گرفته مے شویم بان چیز که کلام میکنیم بآن پس فرمود آنحضرت

ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ وَهَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ

بگرید ترا مادر تو ای معاذ رض و آیا می اندازد مردم را در آتش دوزخ

عَلىٰ وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلىٰ مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ

سر نگون بر رویهای ایشان یا بر بینی های ایشان مگر درو کرده های زبان ایشان

۲۹

رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ وَقَالَ حَدِیْثٌ حَسَنٌ اَلْحَدِیْثُ

روایت کرد این را ترمذی وگفت کہ این حدیث حسن ست حدیث

اَلثَّلٰثُوْنَ عَنْ اَبِیْ ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِیِّ جُرْثُوْمِ بْنِ نَاشِرٍ رَضِیَ اللّٰہُ

سی ام روایت ست از ابی ثعلبہ خشنی جرثوم پسر ناشر رضی اللہ

تَعَالٰی عَنْہُ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ

تعالی عنہ کہ وی روایت کرد از رسول اللہ صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود بدرستی

اللّٰہَ تَعَالٰی قَدْ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَیِّعُوْهَا وَحَدَّ

خدا تعالی ہر آئینہ فرض کرد بر شما فرائض را پس ضائع مکنید آنہا را بترک کردن آنہا و مقرر کرد تشخیص از وقت آن

حُدُوْدًا فَلَا تَعْتَدُوْهَا وَحَرَّمَ اَشْیَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوْهَا

حدہا را پس تجاوز مکنید از انہا وحرام کرد بر شما بعضے چیزہا را پس بیحرمتی مکنید آنرا بکردن آنہا

وَسَکَتَ عَنْ اَشْیَاءَ رَحْمَةً لَّکُمْ مِّنْ غَیْرِ نِسْیَانٍ فَلَا

وخاموش شد از بعضے چیزہا برائے رحمت بر شما بغیر از فراموشے پس بحث

تَبْحَثُوْا عَنْهَا حَدِیْثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِیُّ وَغَیْرُہٗ

مکنید از انہا یعنے جستجو در آن بسیار مکنید کہ موجب غلو فی الدین بشود این حدیث حسن ست روایت کردن این را

اَلْحَدِیْثُ الْحَادِیْ وَالثَّلٰثُوْنَ عَنْ اَبِی الْعَبَّاسِ رض

حدیث سی و یکم روایت ست از ابی العباس رض

سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِیِّ رَضِیَ اللّٰہُ تَعَالٰی عَنْہُ قَالَ جَاءَ

سہل بن سعد ساعدی رضی اللہ تعالی عنہ کہ گفت آمد

رَجُلٌ اِلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ تَعَالٰی عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ

شخصے نزد پیغمبر صلے اللہ تعالی علیہ و آلہ وسلم

لے یعنے بعضے فرض و واجب و سنت و مستحب و مباح و مکروہ و حرام ثم ما ذکر

سنت و سنت را مکروہ و مکروہ را حرام و آنچہ فرض را واجب و واجب را سنت کردہ اند انہا را ہم چنان موافق آن عمل باید و مستحب را مباح و مباح را معاملہ باوی چنان کرد کہ فرمودہ اند از ان معلوم شد مثلا مستحب و محظور و مکروہ زیادہ تر از فرض و واجبات نمود یا اجتناب از بعضے مباحات مثل محرمات نمود و بی بدلیل تجاوز از حدود مقررہ شارع کردند واللہ اعلم بالصواب ۱۲ مؤلف

لے یعنے بعضے چیزہا کہ شارع

۳۰

اے مراد ازین اسماء ...

۱ کہ فرض ... مذہب ...

ونہاد ازانہا خاموش شدہ ... ازانہا حرام و حلال ... واجب ... جرح ... اند شدہ و زیادہ ... بایست ... اصل ... حق ...

فقال یا رسول الله دلنی علی عمل اذا عملته احبنی الله

پس گفت اے رسول خدا رہنما مرا بر کاریکہ چون کنم آن را دوست دارد مرا خدا

واحبنی الناس فقال ازهد فی الدنیا یحبک الله و

و دوست دارند مرا مردم پس فرمود آنحضرت بے رغبت باش در دنیا کہ دوست دارد خدا تعالی و

ازهد فیما عند الناس یحبک الناس حدیث حسن

بے رغبت باش در آنچہ نزد مردم ست تا دوست دارند ترا مردم اینحدیث حسن ست

رواه ابن ماجة وغیره باسانید حسنة الحدیث

روایت کرد این را ابن ماجہ وغیر وے باسنادہاے حسن حدیث

الثانی والثلثون عن ابی سعید سعد بن مالک

سی و دوم روایت است از ابی سعید سعد پسر مالک

بن سنان الخدری رضی الله تعالی عنه ان رسول الله

پسر سنان خدری رضی الله تعالی عنہ اینکہ بدرستی رسول خدا

صلی الله تعالی علیه وآله وسلم قال لا ضرر ولا ضرار فی

صلی الله تعالی علیہ وآلہ وسلم فرمود نیست جائز ضرر وایذا رسانیدن کسے در

الاسلام حدیث حسن رواه ابن ماجة والدارقطنی

دین اسلام این حدیث حسن ست روایت کرد این را ابن ماجہ و دار قطنی

وغیرهما مسندا ورواه مالک فی الموطا عن عمرو بن

وغیر ایشان باسناد و روایت کرد این را مالک در موطا از عمرو پسر

یحیی عن ابیه عن النبی صلی الله تعالی علیه وآله وسلم

یحیی کہ وی روایت کردہ از پدر خود و پدرش از پیغمبر صلی الله علیہ وآلہ وسلم لیکن مالک روایت کرد این را

مُرسلاً فاسقط اباسعید وَلہ طرق یقوی بعضہا

مرسل پس ساقط کرد مالک ابو سعید را از اسناد این حدیث و مر این حدیث را دو طریق ست که قوت میدهد بعضے از آن

بعضاً الحدیث الثالث والثلثون عن ابن عباس

بعضے را حدیث سی و سوم روایت ست از ابن عباس

رضی الله تعالی عنهما ان رسول الله صلی الله تعالی

رضی الله تعالی عنهما اینکه بدرستی رسول الله صلے الله تعالے

علیه واله وسلم قال لو یعطی الناس بدعوٰهم لادّعی

علیه وآله وسلم فرمود اگر داده شوند مردم بدعوی ایشان هر آینه دعوی ناحق میکردند

رجال اموال اقوام ودماءهم لکن البینة علی المدعی

بسیار مردم مالهای مردم و خونهای ایشان لکن گواهان لازم ست بر مدعی و اگر گواهان نباشند

والیمین علی من انکر حدیث حسن رواه البیهقی

قسم ست بر کسیکه منکر شود این حدیث حسن ست روایت کرد این را بیهقی

وغیره هکذا وبعضه فی الصحیحین الحدیث

وغیره همچنین و بعض این حدیث در صحیحین ست حدیث

الرابع والثلثون عن ابی سعید الخدری رضی

سی و چهارم روایت ست از ابی سعید خدری رضی

الله تعالی عنه قال سمعت رسول الله صلی الله تعالی

الله تعالی عنه که گفت شنیدم رسول الله صلے الله تعالے

علیه واله وسلم یقول من رای منکم منکرا فلیغیره بیده

علیه وآله وسلم را که فرمود کسیکه دید از شما کار ممنوع و غیر مشروع را پس باید که منع کند آنرا بدست خود

لا یعنی اگر مدعی را بلا تحقیق و اثبات دعوی هر چه دعوی کردی داده شدی البته بسیار مردم که از دیانت و اسلام نا بهره اند دعوی ناحق بر مالها و خونهای ایشان کرده عالم را تباه کردندی لیکن برای تحقیق و اثبات دعوی گواه بر مدعی لازم ست و اگر گواهان ندارد قسم بر مدعی علیه ست ۱۲

۳۲ یعنی اگر جماعتی را دید که شراب میخورند و ساز و سرود می کنند اگر دست قوت دارد باید که شراب ایشان را بریزد و آلات ساز و سرود ایشان را بشکند و اگر ایشان مقابله کنند گوشمالی و سرزنش مناسب بزند و کوب ایشان و اگر این توانایی ندارد بزبان ایشان را زجر و توبیخ کند و از این کار منع نماید و اگر بزبان هم منع کردن نتواند نصیحت کند [illegible]

فان لم يستطع فبلسانه فان لم يستطع فبقلبه فذلك

پس اگر نتواند پس باید که منع کند آنرا بزبان خود پس اگر نتواند پس باید که بد و مکروه دارد آنرا بدل خود

اضعف الايمان رواه مسلم الحديث الخامس و

ضعیف‌ترا ایمان ست روایت کرد این را مسلم حدیث سی و پنجم

الثلثون عن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول

روایت ست از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول

الله صلى الله تعالى عليه و اله وسلم لا تحاسدوا و لا تناجشوا

الله صلی الله تعالی علیه و اله وسلم حسد مکنید باهمدیگر و مبرانگیزانید کسی را بقریب در بیع و شرا

ولا تباغضوا ولا تدابروا ولا يبع بعضكم على بيع بعض و

و بغض و کینه مکنید باهمدیگر و پشت مگردانید و دشمنی مکنید باهمدیگر و بیع نکند بعضے از شما بر بیع بعضے دیگر و

كونوا عباد الله اخوانا المسلم اخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله

باشید بندگان خدا برادران باهمدگر مسلم برادر مسلمان ست نه ظلم کند بروے و نه خوار و فرو میگذارد وی را که

ولا يكذبه ولا يحقره التقوى ههنا ويشير الى صدره

دروغ نمیگوید وی را و نه حقیر و ذلیل میدارد پرهیزگاری اینجاست و اشارت میکرد آنحضرت بگفتن این لفظ بسینه مبارک خود

ثلث مرار بحسب امرئ من الشر ان يحقر اخاه المسلم

سه بار یعنی سه بار فرمود که اصل پرهیزگاری در دل ست بس ست شخصے از بدی و گناه اینکه خوار و حقیر بیندارد برادر مسلمان خود را

كل المسلم على المسلم حرام دمه وماله وعرضه رواه

هر چیز مسلمان بر دیگر مسلمان حرام ست خون وی و مال وی و آبروی وی۔ روایت کرد این را

مسلم الحديث السادس و الثلثون عن ابي هريرة رضي

مسلم حدیث سی و ششم روایت ست از ابی هریره رضی

اللّٰه تعالیٰ عنه عن النبی صلی اللّٰه تعالیٰ علیه و آله وسلم قال من

اللہ تعالیٰ عنہ که روایت کرد از پیغمبر صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ و سلم که فرمود کسیکه

نفس عن مؤمن کربة من کرب الدنیا نفس اللّٰه تعالیٰ عنه

رهائی دل مومن را دور کرد از مومن یک اندوه را از اندوهای دنیا دور کند خدایتعالی از وی ساند دور را

کربة من کرب یوم القیمة ومن یسر علی معسر یسر اللّٰه علیه فی

از اندوهای روز قیامت و کسیکه آسانی کند بر صاحب سختی آسانی کند خدایتعالی بروی در

الدنیا والاخرة ومن ستر مسلما ستره اللّٰه تعالیٰ فی الدنیا و

دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد مسلمان را بپوشد وی را خدایتعالی در دنیا و آخرت یعنی از عذاب و فضیحت و

الاخرة واللّٰه فی عون العبد ما کان العبد فی عون اخیه ومن سلک

خدایتعالی در مدد بنده باشد تا وقتیکه باشد بنده در مدد و یاری دادن برادر مسلمان خود و کسیکه روان شود

طریقا یلتمس فیه علما سهل اللّٰه له به طریقا الی الجنة وما اجتمع

براهیکه میطلبد در آن راه علم دین را آسان کند خدایتعالی برای وی بسبب آن راه را بسوی جنت و جمع نه شوند

قوم فی بیت من بیوت اللّٰه یتلون کتاب اللّٰه ویتدارسونه بینهم

هیچ قومی در خانه از خانه‌های خدایتعالی که بخوانند در آن کتاب خدایتعالی را و بخوانند آنرا با یکدیگر یا تعلیم کنند آنرا

الا نزلت علیهم السکینة وغشیتهم الرحمة وحفتهم الملئکة

مگر آنکه نازل شود بر ایشان از جانب خدایتعالی آرام و تسلی دل و بپوشاند ایشان را رحمت خدا و گرد اگرد ایشان آیند

وذکرهم اللّٰه فیمن عنده ومن بطا به عمله لم یسرع به نسبه

خدایتعالی ایشان را بملائکه که نزد وی است از فرشتگان تنبیه کسیکه پس انداخت او را عمل وی پیش نکند او را نسب وی

رواه مسلم بهذا اللفظ الحدیث السابع والثلثون عن

روایت کرد این را مسلم باین الفاظ حدیث سی و هفتم روایت است از

الله تعالى عنهما عن رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

الله تعالى عنهما كردى روايت كرد از رسول خدا صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

فيما روى عن ربه قال ان الله تعالى كتب الحسنات و

در آنچه روايت كرد آنحضرت از پروردگار خود فرمود آنحضرت بدرستى خدا تعالى نوشته نيكيها را و

السيئات ثم بين ذلك فمن هم بحسنة فلم يعملها كتبها الله

بديها را پس از آن بيان فرمود آنرا اين چنين پس كسيكه قصد كند بكردن يك كار نيك پس نكرد آنرا نويسد

عنده حسنة كاملة وان هم بها وعملها كتبها الله عنده

نزد خود يكى نيكى كامل و اگر قصد كند بكردن نيكى و كرد آنرا نويسد آن يك نيكى را خدا تعالى نزد خود ادنى جزايش

عشر حسنات الى سبعمائة ضعف الى اضعاف كثيرة وان هم

ده نيكى تا هفتصد چند بلكه تا دو چند ها زياده و بسيار از ين اگر قصد كرد

بسيئة فلم يعملها كتبها الله عنده حسنة كاملة وان هم

بكردن يك بدى پس نكرد آنرا نويسد آن نكردن بدى را خدا تعالى نزد خود يكى نيكى كامل و اگر قصد كرد

بها فعملها كتبها الله سيئة واحدة رواه البخاري ومسلم

بكردن بدى پس كرد آنرا نويسد آن كردن بدى را خدا تعالى يك بدى روايت كرد اين را بخارى و مسلم

في صحيحيهما بهذه الحروف فانظر يا اخي وفقني واياك الى

در صحيح خود باين حروف يعنى باين كلمات و الفاظ پس نظر كن اى برادر من توفيق خير دهد مرا و ترا خدا تعالى بسوى

عظم لطف الله تعالى وتأمل هذه الالفاظ وقوله عنده

بزرگى و بسيارى لطف خدا تعالى و فكر كن درين الفاظ شريف و قول خدا تعالى كه عنده است

اشارة الى الاعتناء بها وقوله كاملة للتوكيد وشدة

اشارت است بسوى اهتمام بآن حسنه و قول وى تعالى الكاملة براى تاكيد و بسيارى

آن قصد كردن و يا بخود قصد ارتكاب

قصد نيكى ثواب نيكى دارد

٣٥

ترک كردن بدى بعد از عزم ثواب عمل نيكى دارد

الا اعتناء وقال فى السيئة التى هم بها ثم تركها كتبها الله

اهتمام ست و فرموده دران بدی که قصد کرده ست بآن پس ازان ترک کرد آنرا ایکه نویسد آنرا خدایتعالی

عنده حسنة كاملة فاكدها بكاملة وان عملها كتبها

نزد خود یک نیکی کامل پس تاکید کرد آنرا بکامل واگر کرد آن بدی را نویسد آن را

الله سيئة واحدة فاكد تقليلها بواحدة ولم يؤكدها بكاملة

خدایتعالی یک بدی پس تاکید کرد حکم کردن آن بدی را بیک تاکید کرد آن بدی بکامل یعنی چنین نفرمود که نویسد آن بدی کامل

فلله الحمد والمنة سبحانه وتعالى لا نحصى ثناء عليه وبالله

پس خاص مر خدایتعالی است ستایش و احسان پاکی ست مراورا و بلند ست وی شمرده نشود ثنا بروی خاص بخدایتعالی

التوفيق الحديث الثامن والثلثون عن ابى هريرة

است توفیق خبر حدیث سی و هشتم روایت ست از ابی هریره

٣٦

رضى الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله تعالى

رضی الله تعالى عنه که گفت فرمود رسول الله صلے الله تعالى

عليه وآله وسلم ان الله تعالى قال من عادى لى وليا فقد

علیه وآله و سلم اینکه بدرستی خدایتعالی فرمود کسیکه دشمنی کند با دوست من پس بدرستی

اذنته بالحرب وما تقرب الى عبدى بشئ احب الى مما

خبر دادم ویرا بجنگ کردن یعنی با من نزدیکی نکرده بمن بنده من بهیچ چیزیکه دوست تر باشد نزد من ازانچه فرض کردم

افترضت عليه وما يزال عبدى يتقرب الى بالنوافل حتى احببته

بروی و همیشه بنده من نزدیکی میکند بمن باوردن نوافل و عبادات مستحبه تا آنکه دوست گیرم ویرا

فاذا احببته كنت سمعه الذى يسمع به وبصره الذى

پس وقتیکه دوست گیرم ویرا باشم من گوش وی آنکه میشنود بوی و باشم چشم وی آنکه

يُبصر به ويده التي يبطش بها ورجله التي يمشي بها وان

بيند بوى وباشم دست وى آنكه ميگيرد بآنها وباشم پاے وى آنكه ميرود بآن و اگر

سألني لاعطينه ولئن استعاذني لاعيذنه رواه البخاري

بخواهد از من چيزے البته ميدهم او را واگر پناه خواهد بمن البته پناه ميدهم او را روايت كرد اين را بخاری

الحديث التاسع والثلثون عن ابن عباس رضي الله

حديث سى ونهم روايتست از ابن عباس رضى الله

تعالى عنهما ان رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

تعالى عنهما اينكه بدرستى رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

قال ان الله تعالى تجاوز لي عن امتي الخطأ والنسيان و

فرمود كه بدرستيكه خدا تعالى فروگذاشت نموده بخاطر من از امت من خطا را وفراموشى را وآن چيزے را

ما استكرهوا عليه حديث حسن رواه ابن ماجة والبيهقي

كه مكروه ومجبور كرده شوند بر آن چيزے حديث حسن است روايت كرد اين را ابن ماجه وبيهقى

وغيرهما الحديث الاربعون عن ابن عمر رضي الله تعالى

وغير ايشان حديث چهلم روايت است از ابن عمر رضى الله تعالى

عنهما قال اخذ رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

عنهما كه گفت گرفت رسول خدا صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

بمنكبي فقال كن في الدنيا كانك غريب او عابر سبيل كان

هر دو دوش مرا پس فرمود باش در دنيا آنچنان كه گويا بدرستى تو مسافرى يا گذر كننده راه هستى وبود

ابن عمر يقول اذا امسيت فلا تنتظر الصباح واذا اصبحت

ابن عمر رض كه ميگفت اينكه وقتيكه شام كنى پس انتظار مكن صبح را وچون صبح كنى

فلا تنتظر المساء وخذ من صحتك لمرضك ومن حيوتك

پس مکن انتظار شام را و بگیر توشه از صحت خود برای بیماری خود واز زندگی خود

لموتك رواه البخاري الحديث الحادي والاربعون عن

برای مرگ خود روایت کرد این را بخاری حدیث چهل و یکم روایت است از ابی

ابي محمد عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله تعالى عنهما قال قال

محمد عبد الله بن عمرو پسر عاص رضی الله تعالی عنهما که گفت فرمود

رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم لا يؤمن احدكم حتى

رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم ایمان نمی آرد یکی از شما یعنی ایمان کامل

يكون هواه تبعا لما جئت به حديث صحيح رويناه في كتاب

تا آنکه شود هوای نفسانی وی تابع برای آنچه من آمده ام بآن این حدیث صحیح ست روایت کرده شده ایم آنرا در کتاب

الحجة باسناد صحيح الحديث الثاني والاربعون عن انس

حجة باسناد صحیح حدیث چهل دوم روایت ست از انس

رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله تعالى عليه

رضی الله تعالی عنه که گفت شنیدم رسول الله صلی الله تعالی علیه

وآله وسلم يقول قال الله تبارك وتعالى يا ابن آدم انك ما

و آله وسلم را که میفرمود اینکه فرموده است خدای تبارک و تعالی ای پسر آدم بدرستی تو مادامیکه

دعوتني ورجوتني غفرت لك ذنوبك على ما كان فيك ولا

بخوانی مرا و سوال کنی از من و امید کنی از من بیامرزم برای تو گناهان ترا هرچه باشند و تو باک نکنم

ابالي يا ابن آدم لو بلغت ذنوبك عنان السماء ثم استغفرتني

ودرآن ای پسر آدم اگر برسند گناهان تو بکناره آسمان پس ازان طلب آمرزش کنی از من

ف ١: یعنی تا آنکه سواد خواهش نفسانی وی تابع شریعت و دین من نشود مومن کامل نگردد ۱۲

ف ٢: مومن کامل آنوقت شود که هوای نفسانی وی تابع شرع محمد گردد ۱۲

ف ٣: دعا و تضرع و زاری بباید اجابت از درگاه باری و آنکه استغفار بباید موجب مغفرت ذنوب است ۱۲

غفرت لك ولا ابالي يا ابن آدم انك لو اتيتني بقراب

بیامرزم ترا و باك نکنم در آن ای پسر آدم بدرستی تو اگر بیائی نزد من بمقدار پری

الارض خطايا ثم لقيتني لا تشرك بي شيئا لاتيتك بقرابها

زمین بگناه و خطا پس از آن ملاقات کنی بمن در حالیکه شریک نه کنی بمن هیچ چیز را در عبادت هر آئینه آیم نزد تو بمقدار

مغفرة رواه الترمذي وقال حديث حسن الحديث

بآمرزش گناهان روایت کرد این را ترمذی و گفت این حدیث حسن ست حدیث

الثالث والاربعون عن البراء بن عازب رضي الله

چهل و سیوم روایت ست از براء پسر عازب رضی الله

تعالى عنه قال امرنا النبي صلى الله تعالى عليه وآله

تعالی عنه که گفت امر فرمود ما یان را پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله

وسلم بسبع ونهانا عن سبع امرنا بعيادة المريض

وسلم بهفت چیز و منع فرمود ما یان را از هفت چیز امر فرمود ما یان را باحوال پرسی بیمار

واتباع الجنائز وتشميت العاطس ورد السلام واجابة

و پیروی جنازها و یرحمك الله گفتن بعطسه کننده و جواب دادن سلام و قبول کردن

الداعي وابرار المقسم ونصر المظلوم ونهانا عن

دعوت عداست گردانیدن سوگند خورنده و نصرت مظلوم و منع فرمود مایان را از

خاتم الذهب وعن الحرير والاستبرق والديباج و

انگشتری طلا و از پوشیدن جامه ابریشم و دیبای سطبر و دیبای مطلق و از

الميثرة الحمراء والقسي وانية الفضة وفي رواية

استعمال میثره سرخ و از پوشیدن جامه قسی و از ظروف نقره و در یک روایت چنین آمده که منع فرمود

عَنِ الشُّرْبِ فِی الْفِضَّةِ فَاِنَّهٗ مَنْ شَرِبَ فِیْهَا فِی الدُّنْیَا لَمْ

از آشامیدن در ظروف نقره پس بدرستی کسیکه آشامید در ظروف نقره در دنیا نیآشامد

یَشْرَبْ فِیْهَا فِی الْاٰخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ فَهٰذَا اٰخِرُ مَا

در آن در قیامت این حدیث متفق علیه است پس این آخر آن چیز است که

قَصَدْتُّهٗ مِنْ بَیَانِ الْاَحَادِیْثِ الَّتِیْ جَمَعَتْ قَوَاعِدَ

قصد کرده بودم آن را از بیان کردن احادیث که جمع نموده اند قواعد

الْاِسْلَامِ وَتَضَمَّنَتْ مَا لَا یُحْصٰی مِنْ اَنْوَاعِ الْعُلُوْمِ

اسلام را و احاطه کرده اند آنچیز را که در شمار و ضبط نیاید از اقسام علوم

فِی الْاُصُوْلِ وَالْفُرُوْعِ وَالْاٰدَابِ وَسَائِرِ وُجُوْهِ الْاَحْکَامِ

در اصول و فروع و آداب و همه وجوه احکام

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا وَّاٰخِرًا وَّظَاهِرًا وَّبَاطِنًا وَالصَّلٰوةُ وَ

و همه ستایش است خدا را در اول و آخر و ظاهر و باطن و صلوة و

السَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِهٖ وَحَبِیْبِهٖ مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِهٖ وَ

سلام باد بر فرستادهٔ وی و محبوب وی محمد و بر آل وے و

اَصْحَابِهٖ وَاَتْبَاعِهٖ وَاَحْبَابِهٖ کَامِلًا وَّعَلَیْنَا مَعَهُمْ

اصحاب وی و پیروان وی و دوستان وی کامل و بر ما یان نیز با ایشان باد

شَامِلًا اٰمِیْنَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

شامل آمین برحمت خود ای رحم کننده تر از رحم کنندگان

تمت

اشتهار - بلا اجازت مترجم و محشی احدی قصد طبع نکند و ما علینا الا البلاغ المبین

اطلاع

این کتاب لباب الاخبار معروف باربعین امام نووی منتخب از صحاح ستہ که اصح کتب بعد کلام اللہ اند مع ترجمہ فارسی و حواشی مفیدہ در مطبع ... لاہور ... از مولوی فقیر اللہ صاحب ... سادہوان موجود است و نسخہ لباب الاخبار که درین دیار مروج است اکثر احادیث آن موضوع و بے اصل اند که از مقدمہ این کتاب واضح و لائح خواہد شد

اطلاع

کتاب ہذا ور ... کرمی شیخ محمد عبد اللہ بن فقیر اللہ صاحب مرحوم تاجر کتب محلہ سادہوں لاہور سے موجود ہے علاوہ ازین کتاب کتب ہر علم و فن ازین کتب خانہ طلبا را بکفایت تمام دستیاب خواہد شد فقط

شیخ محمد عبد اللہ